

منهای فوتبال

تها سو پر استاد بزرگ شطرنج زیر پرچم فیده

فدراسیون شطرنج به تازگی باید بخش عمده تمرکزش را روی چالش‌هایی بگذارد که یکی پس از دیگری به سراغش می‌آیند. بعد از اینکه شنیده شد پرهام مقصدولو و سیدمحمدامین طباطبایی در اسپانیا با شطرنج‌بازی از رژیم صهیونیستی مسابقه داده‌اند، حالا شنیده می‌شود این فدراسیون در آستانه از دست دادن نخستین و تنها سوپر استاد بزرگ شطرنج ایران است. ماجرا از این قرار است که تیم شطرنج ایران قرار بود با ۱۰ بازیکن در مسابقات سریع و برق آسای جهان که از امروز به میزبانی روسیه آغاز می‌شود حضور داشته باشد اما صادر نشدن مجوز اعزام برای تیم پسران و انصراف یکی از دختران، در نهایت منجر به حضور سه شطرنج‌باز کشورمان در مسکو شد؛ هیچ‌یک از این شطرنج‌بازان هم از ایران راهی مسابقات نشده‌اند! سارا خادم‌الشریعه، آتوسا پور کاشیان و میترا حجازی پور شطرنج‌بازان ایرانی حاضر در رقابت‌ها هستند که به ترتیب از چین، آمریکا و فرانسه راهی روسیه شده‌اند. در این میان علیرضا فیروز جا که اخیراً عملکرد بسیار خوبی در تورنمنت‌های مختلف داشته و نظر بسیاری را به سمت خود جلب کرده، اعلام کرد قصد دارد در این رقابت‌ها با پرچم فدراسیون جهانی شرکت کند.

مدتی پیش درباره فیروز جا که به فرانسه رفته بود، صحبت‌هایی مبنی بر تغییر تابعیتش به گوش رسید. موضوعی که با واکنش مهرداد پهلوان زاده رییس فدراسیون همراه شد و او ضمن تکذیب این موضوع اعلام کرد فیروز جا قرار است برای یک تیم باشگاهی در فرانسه بازی کند و ضمن آن قصد دارد مثل بسیاری از لژیونرهای ورزش دیگر اقامت کشوری که در آن بازی می‌کند را بگیرد. فیروز جا حتی به همراه رییس فدراسیون و پدرش به ملاقات وزیر هم رفت و سلطانی فر وعده‌هایی برای حفظ او داد. اما حالا ماجرا کاملاً متفاوت شده و مشخص نیست چه اتفاقی در حال رخ دادن است. تصمیم سوپر استاد بزرگ شطرنج برای رقابت با پرچم فیده به معنای تغییر تابعیت است. تنها نکته امیدوار کننده برای مسئولان ورزش ایران این است که در پرو فایل فیروز جا در مسابقات فدراسیون جهانی هنوز مقابل فدراسیون وی نام «ایران» به چشم می‌خورد. البته این موضوع در شطرنج تقریباً به امری تکراری تبدیل شده و پیش از این هم افرادی همچون الشن مرادی و امیر باقری هم با پرچم کشورهای آمریکا و فرانسه در مسابقات حضور پیدا کرده بودند.



مهرداد پهلوان زاده رییس فدراسیون شطرنج در این باره گفت: «بعد از این که شورای برون مرزی مخالفت خود را برای اعزام تیم مردان به مسابقات شطرنج سریع و برق آسای قهرمانی جهان اعلام کرد، فیروز جا به من گفت که قصد شرکت در این مسابقات را دارد که من مخالفت خود را در این زمینه اعلام کردم و گفتیم فدراسیون اجازه چنین کاری را به او نمی‌دهد اما او گفت که قصد دارد با پرچم فیده در این مسابقات شرکت کند. وی در حال حاضر اقامت فرانسه را دارد و ممکن است تغییر تابعیت او حتی برای آمریکا نیز باشد و بخواهد زیر پرچم فرانسه یا آمریکا در مسابقات شرکت کند اما در شرایط کنونی از نظر قانونی تغییر پرچم برای فیروز جا وجود ندارد و حداقل تا شهربور ۱۴۰۰ باید زیر پرچم ایران در مسابقات حضور پیدا کند.»

او در ادامه این چنین گفت: «من اعتراض خود را به فیده اعلام کردم و قرار است این موضوع در هیات رییس فدراسیون جهانی بررسی و تصمیم نهایی اتخاذ شود. هیات رییس فدراسیون جهانی شطرنج می‌تواند به تنهایی در این باره تصمیم‌گیری و رای نهایی را صادر کند. در واقع این موضوع بدون آنکه ما بتوانیم در ایران کاری انجام دهیم، در فیده حل می‌شود. با توجه به سابقه‌ای که سراغ دارم، بعد می‌دانم فدراسیون جهانی با این مسئله مخالفت کند.» مسابقات شطرنج سریع و برق آسای قهرمانی جهان با یک میلیون دلار جایزه نقدی برگزار می‌شود.

استراما-استقلال در آستانه بن بست دائمی

فصل تغییر چهره!

استقلال رسماً از شروط و کلای استراما چونی برای امضای قرارداد دوباره این مربی باشگاه پرده برداشته و مرد ایتالیایی نیز با یک استوری شبانه، بخشی از این ادعاها را تکذیب کرده است. او البته تلو یحادر خواست در یافت تمام مبلغ قراردادش را تایید کرده و به نظر می‌رسد مشکل او و باشگاه به همین بنداز در خواست‌ها مربوط می‌شود. شروط استراما چونی شاید بر خلاف آن چه گفته می‌شود «ترکمانچای» نباشد اما عملاً از «تغییر چهره» آقای سر مربی حکایت دارد. او خیلی زود با فضای فوتبال ایران آشنا شده و قصد دارد تنها با قرارداد کامل «متفاوت» به استقلال برگردد.



آرپاطاری

در اینکه مدیران استقلال «مقصران اصلی» ترک ایران توسط استراما چونی هستند، تردیدی وجود ندارد. در اینکه مدیران وقت باشگاه نباید اجازه می‌دادند چنین اتفاقی رقم بخورد هم شکی نیست. حتی شکی نیست که عملکرد ضعیف چهره‌هایی مثل خلیل زاده، در ناکامی باشگاه برای بازگرداندن استراما چونی سهم زیادی داشته است. علاوه بر این، تحریم‌های بانکی و مالی نیز نقش خودشان را در این ماجرا بازی کرده‌اند اما یک نکته مهم را نیز نباید به سادگی نادیده گرفت. به نظر می‌رسد خود استراما هم دیگر رغبتی برای بازگشت به فوتبال ایران ندارد. البته که این مربی باید حق قانونی‌اش را طلب کند اما اینکه او بخشی از حقوقش را دریافت کرده و باز هم از بازگشت به ایران امتناع می‌کند، اصلاً نشانه خوب و امیدوار کننده‌ای نیست. در واقع به نظر می‌رسد باشگاه در مواجهه با این مربی، به یک بن بست تمام‌عیار رسیده است. مدیران استقلال توقع داشتند پرداخت بخشی از مطالبات استراما، راه‌لیگ‌بتر

برگرداند اما بر خلاف تصور اولیه آنها، سفر مرد ایتالیایی به تهران هرگز انجام نشد. حالا که او با وجود دریافت پول به تهران برنگشته، اصلاً چه تضمینی وجود دارد که در صورت دریافت همه مطالباتش در پایان فصل، به ایران برگردد؟ اصلاً چرا در شرایطی که تنها یک نیم فصل از لیگ سپری شده، استراما باید حقوقش را تا پایان فصل دریافت کند؟ باشگاه باید همه این سوال‌های بزرگ را در نظر بگیرد اما به صورت موازی، به این موضوع مهم نیز توجه کند که هوادارها همچنان خواهان بازگشت

استراما چونی هستند البته که رفتارهای استراما چونی در روزهای گذشته، نظر گروهی از هواداران استقلال را تغییر داده اما آنها نگران هستند که باشگاه در صورت جدایی مرد ایتالیایی، به سراغ یک گزینه امتحان پس داده و شکست خورده برود. رویارویی با این معادله بزرگ، شرایط سختی را برای استقلال رقم زده است. با این حال مدیران باشگاه تنها دو راه منطقی در پیش دارند. اول اینکه همه شرایط مدنظر استراما را فراهم کنند و او را به هر قیمتی که شده به تهران بیاورند و دوم اینکه با مذاکره با یک

مربی خوب و یک گزینه هیجان‌انگیز، ترسیم متفاوتی از آینده باشگاه بدون این مربی داشته باشند. هر تصمیم دیگری در این ماجرا، به یک شکست بزرگ منتهی خواهد شد. برخلاف آن چه با آب و تاب در رسانه‌ها گفته می‌شود، بسیاری از شروط مدنظر استراما نسبت چندانی با ترکمانچای ندارند. این حق یک مربی است که باشگاه هزینه بلیت پرواز و اقامتش را به صورت تمام و کمال پرداخت کند. تا اینجا مشکلی نیست اما درخواست ۹۰۰ هزار یورویی از استقلال برای نقل و انتقالات از سوی مرد ایتالیایی، آن هم برای تیمی که نهایتاً می‌تواند یک بازیکن خارجی غیر آسیایی جذب کند، باورنکردنی به نظر می‌رسد. طبیعتاً باشگاه در شرایط فعلی، توانایی پرداخت چنین رقم‌هایی را ندارد. حتی اگر چنین ادعایی صحت نداشته باشد، اجرای درخواست تمام مبلغ قرارداد به صورت یکجا نیز اصلاً «حرفه‌ای» به نظر نمی‌رسد. حتی گوار دیولا، کلوب و مورینیو نیز قبل از پایان یک فصل، دستمزدشان را به صورت تمام و کمال دریافت نمی‌کنند. واضح است که باشگاه استقلال نیز نباید چنین قصدی در سر داشته باشد. علاوه بر این‌ها، اینکه کادر ایتالیایی استقلال بتواند هر وقت که خواست تهران را ترک کند و بدون نیاز به اجازه باشگاه به ایتالیا برگردد هم کاملاً عجیب و غیر حرفه‌ای به نظر می‌رسد. با این وضعیت اگر حتی استراما چونی به تهران برگردد، دیگر آن مربی پرانگیزه سابق نخواهد بود. در خواست‌های جدید آقای مربی، شاید همه چیز را در مورد او بازگویی کند. او یک مربی شکست خورده و از آن قیمت بود که به اولین پیشنهاد حرفه‌ای پاسخ مثبت داد و راهی استقلال شد. استراما در فوتبال ایران متوجه شد که مربیان خارجی،

رفتارهای استراما چونی در روزهای گذشته، نظر گروهی از هواداران استقلال را تغییر داده اما آنها نگران هستند که باشگاه در صورت جدایی مرد ایتالیایی، به سراغ یک گزینه امتحان پس داده و شکست خورده برود. رویارویی با این معادله بزرگ، شرایط سختی را برای استقلال رقم زده است

دستمزد بیشتری دریافت می‌کنند و از آن جایی که با چند پیروزی متوالی به «محبوبیت» نیز رسیده، به دنبال عوض کردن همه شرایط قراردادش رفت. دوران انتظار او برای دریافت حقوق از باشگاه اما کمی بیشتر از حد انتظار طول کشید و احتمالاً این وسط چند پیشنهاد هم از سوی لیگ‌های عربی مطرح شد. حالا که استراما چونی می‌دانست در صورت بازگشت به فوتبال ایران با توجه به درگیری‌های رختکن و نتایج بد این روزهای تیم کار بسیار سختی دارد، تصمیم گرفت همه حقوقش را به صورت یکجا تا پایان فصل از باشگاه بخواهد که دیگر خطری تهدیدش نکند.

از طنزهای تلخ روزگار، همین بس که مدیران استقلال در روزهای التهاب باشگاه، وعده جذب مسی ۳۷ ساله را می‌دهند. به جای این وعده‌های عوام‌فروبیانه، آنها باید سرنوشت نیمکت‌شان را روشن کنند. آبی‌ها خوش شانس بودند که دیدار حساس شان با سپاهان لغو شد اما راهی که آنها این روزها در پیش گرفته‌اند، سرنجامی به جز ناکامی ندارد.

و اجازه نداد که روند خوب باشگاه به خاطر حواشی مربوط به دستمزد او تحت تأثیر قرار بگیرد. این حق قانونی کالدرون بود که زودتر از این‌ها به رفتار باشگاه واکنش نشان بدهد اما او صبر کرد تا آرامش تیمش از دست نرود. مرد اول نیمکت قرمزها به همه نشان داد که در یک باشگاه فوتبال، راه‌هایی به جز طغیان علیه مدیریت و ترک ناگهانی ایران نیز وجود دارد. او از مدت‌ها قبل زمان‌هایی را برای باشگاه تعیین کرد و همین حالا نیز دوباره اعلام کرده که پرسپولیس تا چند روز دیگر برای پرداخت دستمزد معوقه‌اش زمان دارد. اگر شرایط تغییر نکند و بازیکنان و مربیان تیم همچنان دریافتی نداشته باشند، بعید نیست کالدرون هم دیگر قید بازگشت به ایران را بزند. گابریل کالدرون همیشه با روحیه جنگجویانه‌اش شناخته شده است. او در سال‌های بازی برای تیم ملی آرژانتین نیز ناگهان برای مدتی از فهرست این تیم خارج شد و جام جهانی ۱۹۸۶ را هم از دست داد اما به کمک همین جنگجویی، دوباره به آلبی سلسسته برگشت. او درست با همین روحیه، شرایطش را در پرسپولیس از یک مربی پانزده‌به‌مربی محبوب هواداران تغییر داد. حالا پرسپولیس اصلاً به جدایی این مربی فکر نمی‌کنند اما در فوتبال ایران، بی‌پولی و وعده بی‌سرنجام، شتری است که مقابل هر دری به خواب فرو می‌رود.

بازگشت به آرژانتین در تعطیلات را تهیه کرده و حالا هواداران باشگاه نگران این موضوع هستند که بازگشتی برای او در کار نباشد. چرا که این مربی هم درست مثل استراما چونی، از باشگاه طلبکار است و هنوز نتوانسته مطالباتش را از پرسپولیس دریافت کند. روایت‌های گابریل کالدرون از پشت پرده‌های پرسپولیس روی آنتن زنده تلویزیون، باورنکردنی به نظر می‌رسند. باشگاه قرارداد این مربی را در مقطعی از فصل کاهش داده و از طرف دیگر، چند بار او را با هشداری جدی اخراج روبرو کرده است. بی‌پولی در پرسپولیس انقدر محسوس بوده که کالدرون از جیب خودش برای تیم ابزار تمرینی تهیه کرده است. مدیران پرسپولیس حتی هزینه تهیه بلیت سفر او و اعضای کادر به آرژانتین را نیز پرداخت نکرده‌اند. طبیعتاً چنین شرایط وحشتناکی، باید یک مربی را از انتخاب تیمش ششمان کند اما مرد آرژانتینی تا همین چند روز قبل «سکوت» را ترجیح داد

می‌شدند، حالا به کمک سختگیری‌ها و البته سرزنش‌های به‌موقع این مربی، دوباره به فرم خوب برگشته‌اند. گابریل با هیچ بازیکنی تعارف ندارد و امیدعالیشاه را بدون توجه به سابقه‌اش در باشگاه، در فهرست مازاد قرار داده است. او حتی در مواجهه با بیرانوند، «گذشته» ام‌هم‌تر از زمان حال نمی‌داند و اجازه نمی‌دهد این دروازه‌بان در شرایط ناخوشایند، باز هم درون دروازه قرمزها قرار بگیرد. سیستم چرخشی کالدرون، این‌انگیزه را برای مهره‌های نیمکت‌نشین ایجاد کرده که بتوانند به مرور زمان جای ثابتی در ترکیب تیم به دست بیاورند و فرصت کافی را برای نمایش استعدادهای‌شان داشته باشند.

کالدرون اساساً یک مربی «به تجربه» است و به خوبی از این تجربه برای ساختن تیم مدنظرش استفاده می‌کند. او کم‌تر به سراغ تصمیم‌های هیجانی و لحظه‌ای می‌رود و شاید به همین خاطر است که برخلاف سرمربی‌رقیب، ناگهان تهران را به مقصد کنشورس ترک نمی‌کند. کالدرون از یک‌ماه قبل، بلیت



روبه‌رو هستند، از طرف دیگر هم ضعف مدیریتی گریبان‌شان را گرفته است. افرادی در این سلسال‌ها بر مسند پرسپولیس و استقلال نشستند که عملاً هیچ چیزی از امضای یک قرارداد حرفه‌ای نمی‌دانند. در واقع آنها پوله‌ها دارند، نه می‌توانند چیزی قرار داد ببندند که طرف خارجی به راحتی همه چیز را یک‌طرفه فسخ نکند. تا وقتی شرایط اینگونه است، حتی اگر مربیان خارجی در این فوتبال موفق هم بشوند باز هم، به سرعت مقصد دیگری را برای خودشان انتخاب خواهند کرد. مادر همه این سال‌ها حتی در تربیت مربیان داخلی هم خوب عمل نکرده‌ایم. قدیمی‌ترها هنوز به روز نشده‌اند. منصوریان که زمانی یکی از امیدهای بزرگ مربیگری در فوتبال ایران بود، حالا نامشکست می‌خورد. یحیی گل محمدی نیز متخصص متوقف‌شدن در موقعیت‌های خاص شده است. مردم شیفته‌مربی‌های خارجی هستند چون تخصص و تعهدشان را می‌بینند. اگر وضعیت مالی باشگاه‌های خودشان را

روبه‌رو هستند، از طرف دیگر هم ضعف مدیریتی گریبان‌شان را گرفته است. افرادی در این سلسال‌ها بر مسند پرسپولیس و استقلال نشستند که عملاً هیچ چیزی از امضای یک قرارداد حرفه‌ای نمی‌دانند. در واقع آنها پوله‌ها دارند، نه می‌توانند چیزی قرار داد ببندند که طرف خارجی به راحتی همه چیز را یک‌طرفه فسخ نکند. تا وقتی شرایط اینگونه است، حتی اگر مربیان خارجی در این فوتبال موفق هم بشوند باز هم، به سرعت مقصد دیگری را برای خودشان انتخاب خواهند کرد. مادر همه این سال‌ها حتی در تربیت مربیان داخلی هم خوب عمل نکرده‌ایم. قدیمی‌ترها هنوز به روز نشده‌اند. منصوریان که زمانی یکی از امیدهای بزرگ مربیگری در فوتبال ایران بود، حالا نامشکست می‌خورد. یحیی گل محمدی نیز متخصص متوقف‌شدن در موقعیت‌های خاص شده است. مردم شیفته‌مربی‌های خارجی هستند چون تخصص و تعهدشان را می‌بینند. اگر وضعیت مالی باشگاه‌های خودشان را

فوتبال ایران و حقیقتی که نمی‌پذیرد

درهای نیمه بسته!

فوتبال ایران پول ندارد و دیگر نمی‌شود این روزها از هیچ کس مخفی کرد. برای سال‌ها «خصوصی‌سازی» تنها یک وعده بی‌سرنجام در این فوتبال بوده است. باشگاه‌های اندکی هم که به طرف خصوصی شدن رفته‌اند، پس از مدتی با مالک‌شان یا جایگاه‌شان و یا هر دو مورد را با هم از دست داده‌اند. تا وقتی مساله در آمدزایی در این فوتبال یک بار برای همیشه حل نشود، حرف زدن از خصوصی‌سازی و یا پیشرفت، کاملاً محال خواهد بود. باشگاه‌هایی که در آمد چندانی ندارند، هر سال بدهکارتر از گذشته می‌شوند. آنها برای پول درآوردن، روی پیامک‌های ارسال‌شده هواداران شان حساب می‌کنند. در واقع هر سال چند میلیارد از جیب هوادارها به جیب باشگاه می‌رود اما هزینه‌های

سوژه روز

فوتبال ایران و حقیقتی که نمی‌پذیرد

درهای نیمه بسته!

فوتبال ایران پول ندارد و دیگر نمی‌شود این روزها از هیچ کس مخفی کرد. برای سال‌ها «خصوصی‌سازی» تنها یک وعده بی‌سرنجام در این فوتبال بوده است. باشگاه‌های اندکی هم که به طرف خصوصی شدن رفته‌اند، پس از مدتی با مالک‌شان یا جایگاه‌شان و یا هر دو مورد را با هم از دست داده‌اند. تا وقتی مساله در آمدزایی در این فوتبال یک بار برای همیشه حل نشود، حرف زدن از خصوصی‌سازی و یا پیشرفت، کاملاً محال خواهد بود. باشگاه‌هایی که در آمد چندانی ندارند، هر سال بدهکارتر از گذشته می‌شوند. آنها برای پول درآوردن، روی پیامک‌های ارسال‌شده هواداران شان حساب می‌کنند. در واقع هر سال چند میلیارد از جیب هوادارها به جیب باشگاه می‌رود اما هزینه‌های